



Do

10.22059/jis.2024.382933.1310

Research Paper

A multi-faceted study of the history of Neyshabour from the beginning to the Mongol invasion

Omid Majd¹ | Hadi Bakaeian²

1. Corresponding Author, Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: majdomid@ut.ac.ir
2. Researcher of the history of the Islamic period. Email: hnbakaeian@yahoo.com

Article Info.

Abstract

Received:
2023/05/20

Accepted:
2024/09/27

Keywords:
Neyshabour,
history,
political
situation,
socio-economic
situation,
scientific-
cultural
situation

As one of the metropolises of the Islamic world, Neyshabur has played an important role in the political, social, economic and cultural developments of Iran and the Islamic world between the third and seventh centuries of the Islamic calendar. Examining the history of Neyshabur in this period reveals very significant signs of a small Iran in the area of the borders of the seat of the Greater Khorasan state. In fact, by examining and understanding the developments and events of this key city of Iran, one can be aware of many different developments in Iran during that period. Due to the importance of this city in the period under discussion, there are few writings, including historical, geographical, noble culture, local histories, etc., that do not mention Neyshabur and its political and noble developments. An overview of the rich and extensive history of Neyshabur shows a balanced and relatively fast development between the 3rd and 6th centuries AH in all areas. All-round balance in the political, economic-social and scientific-cultural fields and the formation of the first important developments in the history of Iran in this city, such as political centrality, the formation of the first educational institutions with a systematic structure, are the prominent points of the rich history of ancient Neyshabur, which in This article has been investigated. For a more detailed analysis, in this article, the history of Neyshabur is divided into three separate parts of political history, social history, and economic history.

How To Cite: Majd, Omid, Bakaeian Hadi(2024), A multi-faceted study of the history of Neyshabour from the beginning to the Mongol invasion, *Journal of Iranian Studies*15(1), 107-124

Publisher: University of Tehran Press.





بررسی چند جانبه تاریخ نیشابور از آغاز تا حمله مغول

امید مجد^۱، هادی بکائیان^۲

۱. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: majdomid@ut.ac.ir

۲. پژوهشگر تاریخ دوره اسلامی. رایانامه: hnbakaeian@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نیشابور به عنوان یکی از کلانشهرهای دنیای اسلام در فاصله سده‌های سوم تا هفتم هجری قمری نقش مهمی در تحولات سیاسی-اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران و جهان اسلام ایفا نموده است. بررسی تاریخ نیشابور در این دوره نشانه‌های بسیار شاخصی از یک ایران کوچک در گستره مرزهای کرسی ایالت خراسان بزرگ، فرا روی ما می‌نهد. در واقع می‌توان با بررسی و درک تحولات و رویدادهای این شهر کلیدی ایران بر بسیاری از تحولات مختلف ایران آن دوره آگاه شد. به دلیل اهمیت این شهر در دوران مورد بحث، کمتر نوشته‌ای اعم از تاریخی، جغرافیایی، فرهنگ رجال، تاریخ‌های محلی و... است که از نیشابور و تحولات سیاسی و رجال... آن سخنی نگفته باشد. بررسی اجمال تاریخ غنی و وسیع نیشابور نشان از توسعه‌ای متوازن و نسبتاً سریع در فاصله سده‌های سوم تا ششم هجری قمری در همه حوزه‌ها دارد. توازن همه جانبه در حیطه‌های سیاسی، اقتصادی-اجتماعی و علمی-فرهنگی و شکل‌گیری اولین تحولات مهم تاریخ ایران در این شهر مانند مرکزیت سیاسی، شکل‌گیری اولین مؤسسات آموزشی با ساختار نظام مند، نکته‌های برجسته تاریخ پربار نیشابور کهن است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. برای بررسی دقیق‌تر در این مقاله تاریخ نیشابور را به چهار بخش مجزای تاریخ سیاسی با ذکر جریئات هر دوره حکومتی از پیش از اسلام تا قرن هفتم و حمله مغولها، تاریخ اجتماعی پس از اسلام، تاریخ اقتصادی بر اساس منابع طبیعی و انسانی تقسیم کرده و به تفکیک هر کدام را بررسی کرده‌ایم.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۷/۰۶

واژه‌های کلیدی:

نیشابور، تاریخ، توسعه متوازن، سیاسی، اقتصادی-اجتماعی و علمی-فرهنگی

استناد به این مقاله: مجد، امید؛ بکائیان، هادی (۱۴۰۳) بررسی چند جانبه تاریخ نیشابور از آغاز تا حمله مغول، پژوهش‌های ایران‌شناسی،

۱۲۴-۱۰۷(۱)۱۵



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

در گستره قلمرو ایران زمین شهرهای فراوانی به چشم می‌خورند که پیدایش، رشد و شکوفایی و تأثیرگذاری آن‌ها بر روند سیاسی- اجتماعی و اقتصادی و علمی - فرهنگی ایران بسیار پررنگ است. با نگاهی به دوره شکوفایی این شهرها می‌توان پی‌برد که در برهه‌ای شامل چند قرن به خاطر شرایط خاص جغرافیایی و اقتصادی شهرهایی بیش از بقیه و به سرعت دوره شکوفایی را طی نموده‌اند. یکی از این شهرها نیشابور و نیشابور و نیشابور عصر اسلامی است که گاهی از آن در تمام دوره‌ها به ابرشهر نیز یاد شده است. آنچه در مورد نیشابور حائز اهمیت است فهم چگونگی رشد سریع و متوازن آن از قرن سوم ه ق به بعد در عین تلاطمات بسیار آسیب‌زای سیاسی- اجتماعی ناشی از تهاجم اقوام گوناگون، به تاراج رفتن‌ها، نابودی اقتصادی و نیز منازعات اجتماعی گرانبار داخلی است. نیشابور شهری است که در آن همیشه آمیزه‌ای از شکوه و زوال دیده می‌شود و این شرایط پارادوکسیکال خود در رشد و زوال آن نقش به سزایی دارد. از یک سو محل تضارب آرای اندیشمندان فرق و مذاهب گوناگون و حضور خیل علما و مشاهیر محلی و مهاجر است که نتیجه آن رشد اندیشه‌ها و نحله‌های گوناگون می‌شود و از سوی دیگر مهم‌ترین نقطه کانونی منازعات مذهبی در تاریخ ایران بین قرون ۳ تا ۷ ه ق است. از سوی شکوفاترین اقتصاد خراسان و ایران را در برهه‌ای دارا است و از سوی دیگر بزرگ‌ترین تنش‌های اقتصادی در پی خشکسالی و قحطی و بیماری فراگیر دارد. فهم و بررسی این شرایط متناقض البته نیاز به مطالعه و بررسی دقیق و موشکافانه تاریخ غنی و پر بار این شهر دارد که از عهده این مجال بیرون است اما می‌توان به مانند سطور پیش رو نقبی هرچند کوتاه به دل تحولات گوناگون تاریخ این شهر کهن و گران مایه زد و برگی کوچک از دوران شکوه این شهر را باز نمود. ما در این راه از منابع تاریخی و جغرافیایی و شرح حال‌ها و ... مدد گرفته‌ایم و با روش کتابخانه‌ای این مهم را تا حد مقدور پیش روی خواننده قرار داده ایم.

در باب تاریخ نیشابور منابع کم نیست اما کثرت منابع دلیل بر ساده بودن کار پژوهشگر نخواهد بود چون پراکندگی و گستردگی اطلاعات در باب این شهر مهم و کلیدی ایران - به ویژه در دوره اسلامی - هر پژوهشگری را با چالش‌های عمده‌ای در باب تفکیک اطلاعات قوی و نسبتاً متقن از اطلاعات ضعیف و ارائه آن‌ها به خواننده رو به رو می‌کند. قدیمی‌ترین منبع مکتوب در باب تاریخ نیشابور کتاب حاکم نیشابوری در قرن ۴ هجری است که بعدها خایفه نیشابوری آن را به فارسی ترجمه و مطالبی به آن افزود. البته این کتاب بیشتر مبتنی بر نام‌های بزرگان و علمای نیشابور تا اوایل قرن ۵ ه ق است. کتاب دیگر که ادامه این کتاب است «السیاق لتاریخ نیشابور» از عبدالغافر فارسی است که علمای نیشابور را از قرن ۵ تا اوایل قرن ۷ ه ق را فهرست نموده است. به جز کتب پراکنده‌ای که از نیشابور ذکری به میان آورده اند قدیمی‌ترین کتاب در باب تاریخ نیشابور اثر سید علی موید ثابتی با نام «تاریخ نیشابور» در ۱۳۵۶ ش است. این اثر که اولین اثر تحقیقی در باب تاریخ نیشابور است علی‌رغم ارائه اطلاعات

جامع فاقد روشمندی علمی است و بیشتر به توصیف سلسله وار عمدتاً حوادث سیاسی تاریخ نیشابور همت گمارده است به دنبال آن کتاب «نیشابور شهر فیروزه» اثر فریدون گرایلی در ۱۳۵۷ ش است. این اثر که در باره تاریخ نیشابور اثری نسبتاً کامل است که از آغاز تا دوره معاصر را در برمی گیرد باوجود توجه جامع‌تر به مباحث مختلف همان نقص روشمندی را در خود دارد و علاوه بر آن تنها به تحولات سیاسی نیشابور توجه ویژه نموده است ولی توجه به فرهنگ عامه و نگاه اجمالی به گویش‌های مردمی از ویژگی‌های بارز آن است. پس از آن تا مدت‌ها کاری در باب نیشابور صورت نگرفت. در ۱۳۹۱ هادی بکائیان کتاب «نیشابور در عصر ترکان» را روانه بازار نمود. این اثر به بخشی از تاریخ نیشابور که شامل سلطه ترکان است، می‌پردازد که از حیث روشمندی قابل توجه اما در ارائه بخش‌های مختلف فاقد جامعیت موضوعی است. در ۱۳۹۱ ترجمه کتاب «نیشابور ساختمان‌های اوایل اسلام و تربینات آن‌ها» اثر ویلکینسون با ترجمه هادی بکائیان و سال ۱۳۹۲ ترجمه کتاب «نیشابور فلزکاری اوایل دوره اسلامی» اثر جرج آلن با ترجمه هادی بکائیان روانه بازار نشر شد. کتاب «فرهنگ جغرافیای تاریخی نیشابور» اثر مجتبی، محقق و نظریان، در سال ۱۳۹۲ با موضوع فرهنگ اسامی تاریخی - جغرافیایی نیشابور منتشر شد. این اثر تنها برداشتی از کتب و منابع تاریخی - جغرافیایی با محوریت جغرافیای تاریخی نیشابور است و چندان در مورد تاریخ نیشابور اطلاعاتی ندارد. دو کتاب «اعیان نیشابور» اثر ریچارد بولیت و «نیشابور، شیشه اوایل دوره اسلامی» اثر ینس کروگر با ترجمه هادی بکائیان در ۱۳۹۶ و ۱۴۰۱ منتشر شدند. از مجموعه مجلدات دانشنامه نیشابور بزرگ زیر نظر امید مجد، جلد اول آن که مربوط به تاریخ نیشابور است با نویسندگی هادی بکائیان و علی اکبر بایگی در ۱۴۰۱ به چاپ رسید که کاملترین اثر در باب تاریخ نیشابور از آغاز تا عصر معاصر می‌باشد. دو کتاب حیات علمی نیشابور در قرن سوم تا ششم هجری» اثر محمد الفالاجو ترجمه کرمی، ده پهلوان و کاظمی تبار (۱۴۰۱)، «تاریخ جامع نیشابور» از سید احمد سیدمرادی (۱۴۰۲) نیز به تاریخ نیشابور پرداخته‌اند. هر دو اثر علی‌رغم اطلاعات خوب در مورد تاریخ نیشابور بیشتر گردآوری اطلاعات پیشین در منابع هستند و با وجود مفید بودن فاقد روشمندی علمی می‌باشند.

۲. تاریخ سیاسی نیشابور

۲-۱ پیش از اسلام

در روایتی اسطوره ای، نیشابور در روزگار پیشدادیان ساخته شده است. بنا به روایتی تاریخی نیشابور به دستور شاپور و با یاد پیروزی وی بر پهلزیگ تورانی تأسیس شد (مارکوارت: ۱۳۷۳: ۱۵۱؛ دریایی: ۱۳۸۸: ۳۸). قدیمی‌ترین مدرکی که اشاره به نیشابور یا به عبارتی به ناحیه یا کوره ابرشهر نموده است در کتیبه کعبه زرتشت است که به فرمان شاپور اول نام ایالت‌ها در آن ذکر و از نام ابرشهر نیز یاد شده است. به

کارگیری نام ابرشهر در طول تاریخ نیشابور همیشه از قاعده خاصی پیروی نمی‌کرد و گاهی به کل ناحیه یا کوره (مغرب آن خوره) یا ربع عصر اسلامی اطلاق می‌شد که از حیث معنا دقیق‌تر بود و گاهی به خود شهر نیشابور اما معمولاً همگان در دوره اسلامی منظورشان از ابرشهر همان نیشابور بود. نام نیشابور برگرفته از نام شاپور و ابرشهر نیز با تفاسیر مختلف چون شهر نزدیک ابرها به دلیل مرتفع بودن که - در بین نویسندگان اسلامی بیشتر رایج بود - یا به آپرن‌ها - تیره‌ای از پارتیان - منتسب بودند (مارکوارت: ۱۴۹) و بر اینکه از گذشته نام موطن پارتیان بوده تأکید دارند (نولدکه: ۱۳۵۸: ۱۶۷). برخی این نام را به شهر برتر معنا نموده‌اند و بر این باورند که این نام از دیرباز بر روی این شهر و ناحیه بوده است (جنیدی: ۱۳۶۶: ۳۶۴-۳۶۳). ضرب سکه‌های با محل ضرب ابرشهر در دوره ساسانی بر وجود این نام حداقل در این دوره گواهی می‌دهد. وسعت این ناحیه تا پیش از دوره اسلامی چندان مشخص نیست اما در دوره اسلامی گستره‌ای از جنوب تا قهستان، شمال شرقی تا بسطام و زاوه در غرب را شامل می‌شد. این ناحیه مشتمل بر دوازده رستاق بیهق، جوین، بُشت، فرهادگرد، جاجرم، اسفراین، استوا، جام، باخرز، خواف، رخ، طوس بود (دانشنامه نیشابور بزرگ، ۱۴۰۱، ۹۸-۹۵). از اوضاع سیاسی نیشابور پیش از اسلام آگاهی‌های بسنده‌ای در دست نیست اما می‌توان حدس زد تا دوره اسلامی در میان شهرهای ایالت خراسان در کنار مرو و توس شهر مهمی بوده است اما به دلیل ضعف نگارش تاریخ در عصر ساسانی در مورد هیچ‌کدام از این شهرها اطلاعات کافی در دست نیست.

۲-۲ دوره نخست اسلامی و دوره طاهریان

تلاش سردار مسلمان عبدالله بن عامر برای فتح نیشابور و تسلیم شدن بقیه شهرها به دنبال فتح نیشابور و احرام بستن عبدالله به شکرانه تصرف نیشابور، اهمیت این شهر کلیدی را به ما یادآوری می‌کند (ابن اثیر: ج ۹: ۲۱۳). با ورود مسلمانان به نیشابور و کوچ قبایل عرب از عراق و عربستان به این شهر ساخت جمعیتی آن به تدریج دچار تغییراتی شد و به موازات آن تأثیرات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی قوم بیگانه، بر حیات این شهر ماندگار ماند. تعدد نسب‌هایی با عناین عربی در دو قرن اول هجری حکایت از تسلط کامل قوم فاتح بر سرنوشت این شهر دارد. این تغییرات جمعیتی به خصوص بر مناسبات حکومت و مردم و منازعات کشمکش‌های آتی در عرصه سیاست و جامعه باقی ماند.

منابع در فاصله تصرف توسط مسلمانان تا اوایل قرن سوم چندان اطلاعات خاص و سودمندی فرا روی ما قرار نمی‌دهد، ظاهراً رویدادها آن چنان جذاب نیست که شایسته بیان باشد. از اوایل قرن سوم و با مرکزیت یافتن شهر توسط عبدالله بن طاهر است که به یکباره توجه منابع تاریخی و جغرافیایی به نیشابور فزونی می‌گیرد و این رویداد را همچون یک مسأله کلیدی تلقی می‌کنند.

به دنبال حوادث آن روزهای خلافت و خصوصاً مشکلاتی که خوارج در سیستان و خراسان و بابک

خرمدین در آذربایجان به وجود آورده بودند عبدالله طاهر که بسیار مورد اعتماد خلافت بود و در سرکوب این شورش‌ها نقش مهمی ایفا نموده بود، بعد از مرگ برادر حکم حکومت خراسان را از خلیفه دریافت نمود و وی ترجیح داد نیشابور را به جای مرو مرکز خود قرار دهد. این اتفاق در سال ۲۱۵ هـ ق رخ داد. در کنار عوامل سیاسی، مسایل شخصی همچون انتخاب این شهر به دلیل برتری آب و هوای شهر نسبت به مرو را نیز نباید از نظر دور داشت. دوران عبدالله نمونه بسیار مهم و عبرت‌آموزی در اداره یک حکومت است. تلاش‌های او در زمینه گسترش عدالت، رسیدگی به مشکلات کشاورزان، رسیدگی به بهره‌برداری درست از قنات‌ها و توجه به سوادآموزی و ... در ذهن نویسندگان عصر اسلامی نشانه‌های روشنی بر جای گذاشت (نک: گردیزی: ۱۳۶۳: ۷؛ دانشنامه بزرگ نیشابور: ۱۱۷-۱۱۶).^۱ حکومت طاهری در خراسان بعد از عبدالله حال خوشی نیافت و ضعف شخصیتی، خوشگذرانی و فساد اداری با کوچک‌ترین وزش نسیم صفاریان سقوط نمود.

۲-۳ دوره صفاریان

در دوره صفاریان نیشابور بیشتر محل کشمکش مدعیان قدرت همچون خوارج، علویان و مدعیان کوچکی همچون شرکب‌ها و دزان و راهزنان عرب (صلوکان) بود. گرچه یعقوب توانست تا زمان مرگ خود سلطه نسبی بر نیشابور داشته باشد اما با مرگش نیشابور عرصه تاخت و تاز گروه‌هایی مانند خوارج به رهبری خجستانی شد و عمرو به سختی توانست سلطه خود را بر شهر تثبیت کند. برادران بنی شرکب، علویان طبرستان نیز در این گیر و دار هوس به چنگ آوردن نیشابور را داشتند و حتی فرمانده علویان در ۲۸۳ هـ ق. با تصرف شهر خطبه به نام محمد بن زید علوی خواند. عمرو گرچه بالاخره توانست همه مدعیان بزرگ و کوچک را از صحنه سیاسی نیشابور حذف کند اما کوتاه مدتی بعد درگیر سیاست حذف خلافت شد و در نبرد با امیر اسماعیل سامانی از صحنه سیاسی حذف گردید.

۲-۴ دوره سامانیان

با حذف صفاریان از خراسان این ایالت به فرمان خلیفه در اختیار سامانیان قرار گرفت. دوران سامانیان برای قلمرو تحت اختیار آن‌ها از جمله نیشابور بی‌شک دوران طلایی تمدن و فرهنگ ایرانی محسوب می‌شود. نیشابور در این دوره از حیث علمی و فرهنگی به سرعت در مسیر رشد و شکوه گام بر می داشت و اگرچه مدعیان باز هم نیم نگاهی به این شهر استراتژیک داشتند و گاه و بیگاه منازعاتی به وقوع می پیوست اما آرامش نسبی حاصل از دوران اعتلای سامانیان بر حیات سیاسی-اداری و علمی-فرهنگی شهر تأثیر مثبت فراوانی بر جای گذاشت. نیشابور در این دوره سپهسالارنشین سامانی گردید و از سوی

۱. نک به: زین الاخبار، گردیزی، ص ۷، دانشنامه بزرگ نیشابور، ص ۱۱۷-۱۱۶.

امیران این حکومت فرماندهانی نظامی برای اداره شهر گسیل می‌شدند. چغانیان و سپس سیمجوریان از جمله این فرماندهان بودند که حکومت نیشابور را از سوی سامانیان در اختیار گرفتند. در این دوره باز علویان در تکاپوی تصرف نیشابور مدت کوتاهی در ۳۰۸ ه. ق. اختیار آن را به دست گرفتند اما سامانیان به سرعت آن‌ها را بیرون راندند. خاندان سیمجوری نیز در دوره ضعف سامانیان به تدریج رو به برافتن از مرکز گذاردند که سامانیان با توسل جستن به سبکتگین و فرزندش محمود توانستند آن‌ها را از نیشابور بیرون رانده و سپهسالاری خود را به محمود دهند (ابن اثیر: ج ۲۱: ۲۲۳-۲۲۲). سبکتگین بعد از این جابجایی خود به غزنه رفته و سنگ بنای تأسیس حکومت غزنوی را در غزنه گذارد در حالی که حکومت نیشابور در دست پسرش محمود باقی ماند.

۲-۵ دوره غزنویان

پس از سقوط سامانیان، گرچه مرکزیت از بخارا به غزنه انتقال یافت اما نیشابور همچنان مهم‌ترین شهر خراسان از حیث سیاسی-اداری، اجتماعی و فرهنگی باقی ماند. در واقع این شهر و ناحیه ابرشهر، قلب تپنده دولت غزنوی از حیث سیاسی-اداری و اقتصادی-اجتماعی محسوب می‌شد و یکی از بالاترین مالیات‌ها در دولت غزنوی از ناحیه نیشابور تأمین می‌گردید.

دوران غزنوی در قیاس با دوره پیش، نیشابور دوران چندان مناسبی را سپری نمود. جزم اندیشی مذهبی، تعصبات فرقه‌ای، مشکلات اقتصادی و نیز قحطی‌های متعدد شهر و مردم آن را به شدت دچار مشکلات عدیده نمود. از جمله یکی از سخت‌ترین حوادث قحطی شدید سال ۴۰۱ ه. ق. بود و در پی آن بیماری جوع الکلب که در نتیجه آن صدها تن از میان رفتند. مالیات‌گیری‌های سخت و شدید غزنویان از خراسان به قدری مردم را دچار سختی کرد که بزرگان شهرهایی مانند نیشابور ایلک خانیان را به تصرف شهر در سال ۳۹۶ ه. ق ترغیب کردند (نک: دانشنامه نیشابور بزرگ: ج ۱: ۱۳۰).

با مرگ محمود و پس از اینکه مسعود توانست با کنار زدن برادرش محمد بر قدرت جلوس کند؛ در نیشابور بود که مسعود بر تخت فرمانروایی تکیه زد و حکومت خود را اعلام و از سوی خلیفه به رسمیت شناخته شد (بیهقی: ۱۳۷۷: ج ۲: ۵۰۸-۵۰۷).

دوران مسعود از حیث سختگیری و چپاول مالیاتی مردم خصوصاً کشاورزان خراسان بویژه نیشابور از دوران محمود نیز سخت‌تر بود. وی با کمک والی و عمید خراسان سوری بن معتز به تاراج مردم به نام مالیات روی تمام مالیاتگیران پیش و پس از خود را سفید نمود. اوضاع به قدری بر مردم سخت شد که بار دیگر اعیان خراسان از سر استیصال رسولانی نزد ترکان گسیل کردند و آنان را به حمله به خراسان تشویق نمودند. به قول بونصر مشکان رییس دیوان رسایل مسعود، ستمکاری‌های مسعود عامل اصلی این اقدام اعیان خراسان بود (همان، ۵۳۱). در این شرایط سخت اقتصادی و معیشتی مردم، حملات گاه و

بیگاه ترکمنان به خراسان و خصوصاً نیشابور مرکز اداری آن هر دو طرف متخاصم برای تأمین مایحتاج سپاه و مرکب‌هایشان شهر و قریه‌های اطراف را لگدکوب سم اسبان و سپاهیان خود می‌کردند و آسیب‌های جدی به مزارع، سیستم آبیاری و محصولات زراعی می‌زدند. غزنویان عملاً نیشابور را در هنگامه سودجویی‌های مالیاتی مسعود و تاخت و تاز ترکمنان به فراموشی سپرده بودند و تاوان این کار را با تسلیم ساده و راحت شهر در ربیع الاول ۴۲۹ هـ ق، با تصمیم جمعی از بزرگان شهر به طلایه سپاه سلجوقی به فرماندهی ابراهیم ینال دادند (برای گزارش تسلیم شهر نک: همان: ج ۳: ۸۷۳-۸۸۵). کوتاه زمانی بعد طغرل در جمع بیشتر بزرگان شهر در شادیاخ بر تخت جلوس نمود و خطبه به نام وی خوانده شد و از آنجا حکومت خود را به خلیفه وقت اعلام نمود. تا نبرد سرنوشت ساز دندانقان (۴۳۱ هـ ق) که به شکست مسعود غزنوی و اخراج غزنویان از خراسان انجامید نیشابور درگیر قحط و خشکسالی ناشی از اقدامات چپاولگرانه دو سمت جنگ بود. سلجوقیان با اینکه در بار اول دست از تاراج نیشابور کشیدند اما پس از نبرد دندانقان و بازگشت دوباره به شهر در اواخر ۴۳۲ هـ ق شهر را کاملاً غارت نمودند.

۲-۶ دوره سلجوقیان:

نیشابور اولین مرکز سلجوقیان گردید و طغرل اولین وزرا و دیوانسالاران برجسته خود همچون حسین میکال، ابوالقاسم جوینی و عمیدالملک کندی را با مشورت با اعیان شهر از نیشابوریان برگزید. پس از اینکه سیاست طغرل در سلطه بر مناطق مرکزی و غربی گرایش یافت شهر ری مرکزیت یافت اما نیشابور همچنان اهمیت سیاسی- اداری خود را برای سلجوقیان حفظ نمود. نیشابور تخته‌گاه ولیعهد سلجوقی، الپ ارسلان شد و در این دوران تحت حمایت وی شهر به رشد فرهنگی و اقتصادی قابل توجهی دست یافت. در دوران الب ارسلان و ملک‌شاه شهر مهم‌ترین کانون تکاپوهای سیاسی- مذهبی خراسان بود و با سیاست‌های خاص نظام الملک، این شهر به تدریج تحت نظر و سیاست ابن وزیر و کاملاً مطابق خواسته‌های حکومت سلجوقی به رشد خود ادامه می‌داد گرچه باز هم جزم اندیشی‌های فرقه‌ای و تعصبات مذهبی گاه و بیگاه شهر را دچار مشکلات مهم سیاسی- مذهبی و درگیری‌های مرگ‌آفرین می‌نمود. گاهی نیز شهر اسیر تهاجم مدعیان قدرت می‌شد چنانکه تکش برادر ملک‌شاه طی شورش بر برادرش تصمیم به تصرف نیشابور به عنوان هدف نهایی خود گرفت اما با واکنش سریع ملک‌شاه این اتفاق رخ نداد (ابن اثیر: ج ۲۳: ۶۹). پس از مرگ نظام‌الملک و ملک‌شاه که در فاصله کمی اتفاق افتاد نیشابور صحنه کشاکش مدعیان قدرت شد از جمله یکی از امرای سلجوقی شهر را در ۴۸۸ هـ ق بیش از ۴۰ روز در محاصره قرار داد. نیشابور در بین مهم‌ترین مدعیان فرمانروایی سلجوقی یعنی برکیارق و محمد بیش از بقیه مورد منازعه بود اما در نهایت سنجر بود که تا مرگ برادرش محمد به نیابت از وی حکومت خراسان با لقب «ملک» در دستانش بود. با مرگ محمد امپراطوری سلجوقی عملاً

به دو بخش شرق و غرب تقسیم شد (همان، ج ۲۶: ۵۸-۵۷؛ برای نبردهای سنجر و اتسز نک: قفس اوغلی، ۱۳۶۷: ۷۷-۶۵). در غرب؛ جانشینان محمد با اینکه لقب سلطان داشتند از سوی سنجر حکم می‌راندند و در شرق قلمرو، سنجر حکم می‌راند. دوران سنجر یادآور ایام سخت و دهشتناکی برای خراسانیان خصوصاً نیشابوریان است. ابتدا در شورش اتسز خوارزمشاه، نیشابور توسط وی تصرف شد (۵۳۵ ه ق) اما پس از خواندن خطبه به نام وی مردم شهر شورش نمودند. تا سال ۵۳۸ ه. ق. نیشابور عرصه تاخت و تازهای اتسز و سپاه سنجر بود و در نهایت با شکست قطعی اتسز در این سال، نیشابور تحت سلطه سلجوقیان درآمد. شکست سنجر در قطوان از ترکان قراختایی و سپس شورش غزان علیه سنجر در ۵۴۸ ه. ق. سبب شد با از دست رفتن بخش عظیمی از ماورالنهر و خراسان عملاً قدرت سنجر و سلجوقیان رو به افول گذارد. در جریان تصرف شهرها توسط غزان بیشترین آسیب به نیشابور وارد آمد. طی اولین حمله در ۵۴۸ ه ق و تداوم بسته و گریخته حملات تا حدود ۵ سال بعد جان و مال بسیاری از مردم نیشابور نابود شد و شمار زیادی از بزرگان شهر و علما از بین رفتند (راوندی: ۱۳۶۳: ۱۸۲). قحطی و درگیری‌های فرقه ای و عیاران و طراران پس از غزان باقیمانده شهر را که از تاراج غزاها در امان مانده بود از میان بردند. مهم‌ترین منازعه بین علویان و حنفیان در یک سو در برابر شافعیان بود که طی آن آسیب‌های جدی به مردم، اموال و اماکن نیشابور وارد شد و دهها مدرسه و کتابخانه از دو سوی جنگ نابود شدند.

گرچه سنجر از دست غزاها در ۵۵۱ ق رهانیده شد اما کوتاه زمانی به دلیل پریشانه‌حالی و افسردگی فوت نمود. مؤید آی ابه یکی از سرداران سنجر که توانسته بود با غزان در ۵۵۰ ه ق به مصالحه ای دست یابد تا حدودی توانسته بود شر غزان را از نیشابور کم کند اما تا ۵۵۴ ه. ق. هنوز از غزان در اطراف نیشابور خبر می‌یابیم.

نیشابوریان موقتاً تا ۵۵۹ ه ق تا ساخته شدن خرابی‌های نیشابور به شادیاخ کوچ کردند و سپس به منازل خود بازگشتند اما تا نفس‌های نهایی شهر دهه‌هایی بیش باقی نمانده بود. مؤید ابتدا خود را مطیع ارسلان طغرل سلجوقی خواند اما در همین زمان درگیر مدعی تازه نفسی به نام ایل ارسلان پسر اتسز خوارزمشاه شد و توانست حمله وی به شادیاخ را در ۵۵۸ ه ق دفع کند. سال بعد ایل ارسلان، مؤید را شکست داد و وی را تابع خود نمود. زمانی که ایل ارسلان فوت نمود، ترکان خاتون مادر سلطان شاه تابعیت مؤید به پسرش را پذیرفت و دو متحد علیه تکش خوارزمشاه بسیج شدند اما در سوبارلی شکست خوردند، مؤید کشته شد و سپاهیانش پسر مؤید، طغانشاه را امارت خود برگزیدند اما اوضاع به شکلی پیش رفت که در نهایت وی تا سال مرگش در ۵۸۱ ه ق خراجگزار تکش ماند (دانشنامه نیشابور بزرگ: ج ۱: ۱۵۲-۱۵۱). پس از مرگ طغانشاه ظاهراً سنجرشاه پسرش فرمانروا بود اما قدرت در دست یکی از امرا به نام منکلی تگین بود. در ۵۸۲ ه. ق. تکش به نیشابور حمله برد و دو ماه شهر را در محاصره گرفت، ابتدا منکلی تگین از در متابعت درآمد اما با دور شدن تکش راه سرپیچی در پیش گرفت و تکش مجبور

شد در محرم ۵۸۳ ه. ق. دوباره به نیشابور برگردد و شهر را تصرف نماید. تکش پس از آن، پسرش قطب الدین محمد را حاکم نیشابور نمود (۶۵۸۹ ه. ق) اما چون در نیشابور مستقر نبود برادر وی ملک‌شاه را به نیابت قطب‌الدین محمد حکومت نیشابور داد.

۷-۲ دوره خوارزمشاهیان

زمانی که نیشابور تحت سلطه خوارزمشاهیان درآمد، منازعات این حکومت با غوریان به شهر نیشابور نیز رسید. غوریان که در ولایت غور از شهرهای کنونی افغانستان توانسته بودند قدرتی به هم بزنند برای سلطه بر مناطق بیشتر، خراسان را مورد تاخت تاز خود قرار دادند و دو برادر، غیاث الدین و شهاب الدین در نهایت پیشروی‌ها خود را به نیشابور رساندند. حاکم شهر دستور داد حصار شهر استوار شده و تمام آبادی‌های اطراف شهر ویران و درختان قطع گردند. در واقع وی سیاست زمین سوخته را در پیش گرفت. اما وقتی غوریان به دیوارهای شهر رسیدند و توانستند روی باروی شهر روند بارو به دلیل سنگینی و تجمع سپاهیان فرو ریخت و شهر فتح شد. از سوی غیاث الدین برادرش علاءالدین حاکم نیشابور شد. این سلطه چندان دیری نپایید و سلطان محمد خوارزمشاه غوریان را شکست داد و آن‌ها را از شهر بیرون نمود. از سوی سلطان محمد فردی به نام کزلک خان حاکم شهر شد اما مدتی بعد علم استقلال برافراشت ولی با حمله سلطان محمد به نیشابور به عراق گریخت. با تثبیت و افزایش قدرت خوارزمشاهیان، سلطان محمد با حمله به غور حکومت غوریان را از میان برداشت و با مغولان که تا مرزهای غور پیش آمده بودند همسایه شد.

۸-۲ حمله مغول

اولین نبرد مغولان و سلطان محمد به نتیجه‌ای ختم نشد اما سبب ترس بیش از حد فرمانروای خوارزمشاهی شد و تا زمان مرگش در جزیره آبسکون از مغولان گریخت. در جریان گریزش مدتی را در نیشابور سپری نمود و با شنیدن نزدیک شدن مغولان چند نفر را در شهر نصب نمود و گریز خود را تا مرگ ادامه داد. زمانی که مغولان به دروازه‌های شهر رسیدند بزرگان شهر با مغولان مصالحه نمودند و قرار بر این شد که اسباب و امکانات مغولان را فراهم نمایند و در مقابل مغولان از تصرف و تاراج خودداری نمایند. پس از گذشت مدتی با رسیدن اخبار جعلی از غلبه طوسیان بر مغولان و خصوصاً پس از فرستادن سر شحنة طوس برای نیشابور، مردم متهورتر شده و از قرار پیشین سرپیچی نمودند.

در اواسط زمستان ۶۱۸ ه. ق داماد چنگیز تغاجارنویان در مقدمه سپاه تولى پسر چنگیز با حدود ۱۰ هزار سپاهی به دیوارهای نیشابور رسید. در جریان محاصره شهر تیری از یکی از برج‌های شهر رها و داماد چنگیز را به قتل رساند. سپاه مغول موقتاً نیشابور را رها کرده و پس از تصرف مرو دوباره به فرماندهی تولى در صفر ۶۱۸ ه. ق. شهر را محاصره نمودند. بزرگان شهر که تعداد و قدرت سپاه مغول را

دیدند از در مصالحه درآمدند اما تولی نپذیرفت. پس از دو روز مغولان در ۱۲ صفر ۶۱۸ ه ق در دیوارهای شهر رخنه نمودند و در نبردی نابرابر شهر و مردم آن را از میان بردند و به قول جوینی هفت شبانه روز بر شهر آب بستند و سپس کل شهر را جو کاشتند (جوینی: ۱۳۷۰: ۱۴۰-۱۳۹ و نسوی: ۱۳۶۲: ۸۱).

۳. اوضاع اجتماعی

با ورود اسلام به نیشابور ساخت اجتماعی این شهر دچار تغییرات دامنهداری شد. ورود قبایل و تیره‌های مهاجر عرب به خراسان و بخصوص نیشابور، وصلت‌های احتمالی با خاندان‌های گروه‌ها و طبقات مختلف در نیشابور خصوصا اعراب با خاندان‌های دهقانان در نیشابور به دلیل حفظ جایگاه زمینداری در بین خود، منجر به تحولات مهم و شکل‌گیری موقعیت‌های جدید سیاسی-اقتصادی شد. ورود اسلام به نیشابور بر ساختار اجتماعی-اقتصادی عصر ساسانی تاثیر گذاشت و امکا ارتقای جایگاه و موقعیت را از گروه‌های فرو دست به متوسط و اعیان فراهم می‌نمود. بازرگانی، زمینداری و خصوصا آموزش‌های مذهبی در مدارس که- در نیشابور برای اولین بار شکل گرفت- بر ساخت اجتماعی-اقتصادی شهر نیشابور و بیشتر شهرهای بزرگ ایران این دوره تاثیر گذاشت.

۳-۱ نژادهای ساکن در نیشابور

از حیث نژادی گرچه ابتدا اکثریت با پارسیان بود اما مهاجرت گسترده قبایل عرب در سده‌های اول و دوم ه. ق. و سپس پیدایی ترکان و استقرار تدریجی آن‌ها از اواخر قرن سوم به بعد بافت اجتماعی شهر را از جهت نژادی تحت تاثیر خود قرار داد. از روایات جسته و گریخته می‌توان دریافت مضرری‌ها و یمانی‌ها که به ترتیب عرب شمالی و جنوبی بودند بیشترین آمار مهاجرت به خراسان را داشتند و نیشابور نیز یکی از مراکز استقرار آن‌ها بود. در اواخر سلطه امویان با ریاست زیادبن عبدالرحمن قشیری بر خراسان از سوی نصر بن سیار حاکم این ایالت (ابن اثیر، ۱۹۶۶، ۱۴، ۱۲۹)، احتمالا بخش قابل توجهی از قبیله بنی قشیر به نیشابور وارد شدند. این را می‌شود از نسب خاندان‌های نیشابور به خوبی درک کرد. قبایل مختلف ترک مانند ترکان خلج که غزنویان از آن قوم بودند و ترکان غز که مهمترین آن‌ها سلجوقیان بودند نیز در محیط اجتماعی نیشابور از اوایل قرن سوم استقرار یافتند. اما با وجود این، آمار دقیقی از این تغییر در دست نیست اما می‌توان حدس زد همزمان با گسترش جغرافیایی شهر از اواخر قرن دوم شهر چه تغییرات اجتماعی وسیعی را متحمل شده است و این امر بر زبان، فرهنگ و ... شهر ساسانی تأثیرات عمیقی برجای گذاشته است.

۳-۲ نقش مذهب در بافت اجتماعی

با توجه به امر مذهبی بودن جوامع در اوایل قرون اسلامی و تاثیر آن بر حیات جوامع تازه مسلمان،

اصولاً جوامع بدون توجه به امر نژادی در گستره هویتی گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی جای می‌گرفتند و سپس با هویت اقتصادی و خانوادگی و... شناخته می‌شدند. بنابراین، شافعی یا حنفی بودن، صوفی بودن -که البته خود می‌توانست بخشی از این دو گروه مذهبی باشد- و علوی، اهل ذمه و... باشد هویت اصلی اجتماعی هر عضو به عنوان یک پیرو و مطیع در درون کلیتی به نام شهر محسوب می‌شد. از این روی، تمامی مناسبات آحاد شهری در چهارچوبه پیوندهای مذهبی و سپس اقتصادی و سیاسی و... شکل می‌گرفت گرچه به تدریج و بخصوص در دوره سلجوقی تمامی این پیوندها به دلیل سیاست حکومت در شکل‌گیری یک پیرو مذهبی به عنوان عضوی مفید در پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی مد نظر حاکمیت به شدت به هم نزدیک شد.

براین اساس، جامعه نیشابور در دوران مورد نظر ما، ابتدا بر اساس کلیتی حنفی- شافعی شکل گرفته بود. بیشترین تعداد امام و پیرو مربوط به حنفیان بود و در بیشتر ایام بیشترین مناصب سیاسی شهر نیز در دست آنان بود. تنها با پیدایی و حمایت شخصیت‌های شافعی چون نظام الملک بود که این غلبه و سلطه تا حدودی به نفع شافعیان تغییر نمود. هر چه توازن قوا در نیشابور از سمت حنفی به شافعی تغییر می‌نمود منازعات و کشاکش‌ها افزون‌تر و آسیب‌ها به شهر بیشتر می‌شد. اوج این منازعات در دوره عمیدالملک کندی حنفی مذهب، وزیر طغرل و سپس الب ارسلان، بود. شافعیان مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند و بخش مهمی از آنان از نیشابور تبعید شدند یا گریختند (نک: بولیت، ۱۳۹۶، ۶۹-۵۸). گرچه با حذف کندی به دست نظام‌الملک این وضعیت تغییر نمود ولی همه رقابت‌های دو گروه تا زمان مرگ دایمی شهر کهن همچنان ادامه یافت. در نیمه دوم قرن پنجم عوامل متعددی- علی‌رغم حنفی بودن حکومت سلجوقی- در برآمدن شافعیان در حیات سیاسی- اجتماعی و مذهبی شافعیان در نیشابور و خراسان تأثیر گذاشت. اولین عامل حمایت‌های بزرگانی همچون نظام الملک شافعی مذهب از علما و شخصیت‌های برجسته شافعی خصوصاً در نیشابور بود. عامل دوم که بسیار مهم بود تقویت نهادهای مؤسسات آموزشی بر پایه فقه شافعی بود که مهم‌ترین آن نظامیه‌ها بودند. عامل مهم بعدی رشد طبقه ثروتمند بازرگانی بود که عمدتاً شافعی بودند و در حمایت از پیشبرد اندیشه‌های شافعی‌گری نقش مهمی ایفا نمودند و عامل آخر را می‌توان در به دست‌گیری مناصب مهم سیاسی و اقتصادی توسط شافعیان در دولت سلجوقی دانست که در نهایت کفه قدرت را به سمت آن‌ها سنگین نمود. اما با وجود قدرت‌گیری شافعیان رقابت‌ها و منازعات بسیاری بین شافعیان با حنفیان تا سقوط شهر در جریان بود. نمونه‌های بسیار خشونت‌باری از درگیری‌های دوگروه در نیشابور گزارش شده است. در این میانه علویان که در اقلیت بودند و از دو گروه حسنی و حسینی شکل یافته بودند گاهی به تنهایی و گاهی با گرایش به یک سمت منازعه سبب پررنگ‌تر شدن قتل پسر امام الحرمین توسط حنفیان و قتل پسر ابوالقاسم قشیری و منازعه شدید علویان و حنفیان علیه شافعیان در روزهای بعد از غارت غزان از این جمله بود. گاهی این

گروه‌ها برای منافع مشترک خود با یکدیگر به میثاقی نانوشته دست می‌یافتند و برای حذف رقیب مشترک با دشمن متحد می‌شدند؛ نمونه مهم آن همکاری حنفیان و شافعیان برای حذف کرامیان بود که گروهی متعصب بودند و با حمایت محمود غزنوی در شهر ریاست و قدرت یافته بودند. اقدامات تند و شدید آن‌ها سبب شد در نهایت رهبران شافعی و حنفی در سکوت حکومت، طومار این فرقه را در هم پیچند. گروه‌های مذهبی شامل مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان که به اهل ذمه معروف بودند نیز در شهر در تعداد بسیار محدود نسبت به مسلمانان حضور داشتند که با کوچ یا گرویدن به دلایل مختلف به اسلام روز به روز از تعدادشان کاسته می‌شد (برای بررسی ساخت اجتماعی نیشابور نک: باسورث، ۱۳۷۲، ۲۰۳-۱۶۵). از اهل فتوت نیز نشانه‌هایی در دست است. بولیت، بیشتر اهل فتوت را مرتبط به شافعی-اشعری‌ها می‌داند و آنها را با سه شبکه جوانمردی، تصوف و پیشه‌وری مرتبط می‌داند (برای بررسی گروه‌های اجتماعی نیشابور نک: بولیت، ۷۶-۷۴).

۴. اوضاع اقتصادی و عوامل توسعه آن

یکی از عوامل و زمینه‌های مهم در رشد و شکوفایی نیشابور در سده‌های سوم تا هفتم ه. ق. شرایط اقتصادی و تجاری و صنعت محلی با قابلیت فرامحلی بود. اوضاع اقتصادی نیشابور گرچه یکی از عوامل رشد شکوفایی نیشابور به شمار می‌رفت اما خود معلول شرایط سیاسی و اجتماعی روزگار خود بود. آب و هوای مناسب، آب‌های فراوان، خاک حاصلخیز که سبب کشاورزی شکوفا می‌شد، محصولات خاص زراعی با قابلیت صدور، قرار گرفتن بر سر راه‌های بین‌المللی، ضرب سکه، صنایع شکوفایی چون سفالگری، فلزکاری و شیشه‌گری و تولیدات معدنی از جمله مؤلفه‌های رشد اقتصادی نیشابور در قرون مورد نظر ما بود.

۴-۱ موقعیت ممتاز جغرافیایی

پیش از همه، موقعیت خاص جغرافیایی که به قول بولیت دشت نیشابور توسط کوه‌های اطراف همچون کاسه‌ای حاصلخیز شرایط مناسبی را برای کشاورزی شکوفا و پر رونق فراهم نموده بود (بولیت: ۲۹). وجود قنات‌های متعدد و رودهای فصلی فراوان و آب و هوای مطبوع و دلپذیر از روزگاران کهن این دشت را برای استقرار انسان محیطی مناسب جلوه‌گر می‌نمود. مقدسی علت درازی عمر مردم نیشابور را در قرن چهارم، قوی بودن هوای آن ذکر می‌کند (مقدسی: ج ۲: ۴۸۷). بنا به روایت وی، یکی از دلایل انتخاب نیشابور به مرکزیت طاهریان توسط عبدالله بن طاهر هوای قوی آن بوده است (همان). این عامل حتی در سخن کلاویخو سفیر اسپانیا به نزد تیمور، بعد از نابودی و ایجاد شهر جدید در قرن هشتم که قید می‌کند «محل خوش و مفرحی برای زندگی» است مورد تأکید قرار گرفته است (سفرنامه کلاویخو: ۱۳۶۶: ۱۹۱). زمین‌های زراعی با کیفیت دشت نیشابور از دیرباز مورد توجه نویسندگان قرار می‌گرفت.

ابن حوقل نیشابور را دارای بهترین زمین‌های کشت آبی در خراسان می‌داند (سفرنامه ابن حوقل: ۱۳۴۵: ۱۸۶). ابن بطوطه در قرن هشتم، نیشابور را بعد از آن همه ویرانی و خرابی به علت کثرت میوه‌ها و آب فراوان و زیبایی «دمشق کوچک» می‌خواند (سفرنامه ابن بطوطه: ۱۳۷۵: ج ۲: ۴۷۱). در نوشته‌های نویسندگان قرون میانه اسلامی برخی محصولات کشاورزی چون ریواس که ارزش گیاهی داشت و به نقاط مختلف صادر می‌شد (نک به: حاکم ۱۳۷۵: ۲۱۴-۲۱۳؛ ثعالبی: ۱۳۶۸: ۲۶۱) و بقل که گلی معطر با خصوصیات گیاهی در ناحیه نیشابور بود و به قول قزوینی منافع بسیار دارد (قزوینی: ۱۳۷۳: ۲۳۵) و نیز کماه یا غاریقون خوراکی که در نیشابور کمای خوانده می‌شود و آن هم ارزش غذایی و گیاهی بسیار دارد از جمله محصولات شگفت نیشابور بود که در کتب غالب نویسندگان آن دوره از آنها سخن به میان آمده است. دو محصول ریواس و کماه که مخصوص فصل بهارند هنوز در دشت‌ها و کوه‌های اطراف نیشابور به عمل می‌آیند و طرفداران بسیار دارند.

۴-۲ منابع آبی

عامل دیگر توسعه اقتصادی نیشابور، منابع فراوان آبی اعم از رودهای فصلی و قنات بود که مزارع و کشتزارهای دشت نیشابور را آبیاری نموده و آب کافی برای مصارف خانگی را نیز فراهم می‌نمود. حاکم نیشابوری، بیش از سیصد قنات برای نیشابور ذکر می‌کند و بر این باور است مجموع آب‌های نیشابور از سیحون و جیحون بیشتر است (حاکم: ۲۱۳). همو برای اطراف نیشابور بیش از چهار هزار قنات برآورد می‌کند (همان).

۴-۳ وجود راه‌های ارتباطی

وجود راه‌های بین شهری و نیز بین شهر و رستاق‌های دوازده‌گانه نیشابور و نیز قرار گرفتن بر سر راه‌های سراسری آن روزگار از جمله راه معروف ری به بغداد و نیز جاده ابریشم جایگاه نیشابور را در ترانزیت -به معنای امروزی- تولیدات مختلف صنعتی و تجاری و انواع و اقسام کالاها بسیار مهم جلوه‌گر می‌نمود.

۴-۴ بازارهای بزرگ

شهر نیشابور از بازارهای متعدد برای مبادله و توزیع کالا از جمله دو بازار مربعه بزرگ و مربعه کوچک بهره می‌برد. در داخل هر بازار تعداد زیادی کاروانسرا و خان مهمان‌خانه برای بازرگانان داخلی و غیر بومی وجود داشت. در درون هر کاروانسرا انواع حجره‌ها و دکان‌ها و کارگاه‌های کوچکی وجود داشت که هر کدام به تولید و عرضه تولیدات مختلف مورد نیاز مردم شهر و اطراف و فراتر از آن مشغول بودند. راسته‌های کفشگران، خرازان، ریسمانبافان و خان‌های ویژه بازرگانان شهرهای دیگر چون شیراز و کرمان نیز در درون این کاروانسراها وجود داشت (ابن حوقل: ۱۶۹-۱۶۷؛ اصطخری: ۱۳۷۲: ۲۷۳-۲۷۰).

۴-۵ بافندگی

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین صنعت نیشابور در قرون سوم تا هفتم، بافندگی بود. بافته‌های نیشابور در تمام اطراف و اکناف آن روزگار دنیای اسلام و حتی سرزمین‌های غیر مسلمان طرفدار داشت و بازرگانان این حوزه از ثروتمندترین و متنفذترین گروه‌های اجتماعی-اقتصادی نیشابور محسوب می‌شدند. به تدریج با رواج کاربرد ابریشم در صنعت بافندگی در کنار پنبه و پشم، این صنعت از رونق افزون‌تری برخوردار گردید (حدودالعالم: ۱۳۶۲: ۲۹۲). ابن حوقل نیشابور و مرو را دارای گران‌بهاترین پارچه‌های پنبه‌ای و ابریشمی ذکر می‌کند (ابن حوقل: ۱۶۸). مقدسی از درخشش پارچه‌های نیشابور تعریف و آن را سبب خودآرایی مردم عراق و مصر برمی‌شمرد (مقدسی: ج ۲: ۴۶۰). ثعالبی زربفت‌های عتایی و سقلاطونی نیشابور را همسطح بافته‌های بغداد و اصفهان ذکر می‌کند (باسورث: ۱۵۲). در بین همه پارچه‌های نیشابور، نوعی معروف به «سابوری» شهره خاص و عام بود (همان). نگاهی به برخی اسامی منتسب به خاندان‌های نیشابوری چون لباد (نمدفروش)، اکاف (پلاس‌ساز)، ابریشمی، کسایی، کرایسی (کرباس‌ساز)، بزاز، خیاط و قطان و... تا حدودی اهمیت این صنعت را می‌توانیم در آن روزگار درک کنیم.

۴-۶ فیروزه و سفال

استخراج و صدور سنگ‌های قیمتی خصوصا فیروزه از روزگاران کهن در نیشابور رواج داشت و در قرون میانه اسلامی نیز استخراج و صدور آن که بنا به نقل مقدسی از روستای ریوند که کان فیروزه از آنجا استخراج می‌شده است رواج داشت (حدودالعالم: ۲۹۲). صنعت سفال، فلز و شیشه نیشابور نیز در قرون مورد ذکر به خصوص در قرن سوم و چهارم هجری به اعتلای فراوانی دست می‌یابد. سفال نیشابور - که از حیث کیفیت جنس و رنگ و تنوع نقوش و طرح‌ها - یکی از بهترین نمونه‌ها در جهان اسلام بود و اینک بسیاری از موزه‌های مهم دنیا را مزین کرده است در مقیاس بالا برای مصارف داخلی و صدور به بازارهای فرامنطقه‌ای و حتی بیرون از جهان اسلام تولید می‌شد. ظروف لعابدار شامل نخودی، رنگ پاشیده، سیاه روی سفید، رنگارنگ روی سفید، دوغاب رنگی، سفیدمات، زرد مات، تک رنگ، چینی، لعاب قلیایی و انواع ظروف بدون لعاب نیشابور در گستره‌ای از طرح، شکل، رنگ و لعاب، نقوش مختلف اعم از انسانی، جانوری، تلفیقی، گیاهی، انواع کتیبه‌های تزیینی با نقشمایه‌های مذهبی و دعای خیر از جمله تولیدات متنوع سفال نیشابور بودند (Willkinson, Nishapur, Pottery...).

۴-۷ فلزکاری

در صنعت فلزکاری نیز نیشابور یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان ابزارهای فلزی در ناحیه خلافت شرقی بود. این شهر در فاصله ۲۹۲-۵۵۰ ه ق از مهم‌ترین شهرها در امر ضرب سکه در خلافت اسلامی بود.

ربع نیشابور یکی از مراکز مهم فرآوری نقره، مس، سرب و آهن بوده است. وجود اشیاء برنزی با درصد قلع بالا و چند عامل دیگری که جرج آلن در کتاب خود آورده است در اهمیت فلزکاری نیشابور قابل توجه است (آلن، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۸).

۳-۸ شیشه‌گری

صنعت شیشه نیشابور نیز بر اساس کتابی که یونس کروگر در کتاب: نیشابور شیشه اوایل دوره اسلامی گستره متنوعی از ظروف شیشه‌ای با کاربرد روزمره شامل: پارچ، لیوان، ظروف مینیاتوری، ظروف مخصوص در داروسازی و پزشکی مانند انبیک و ده‌ها نمونه متنوع تولید می‌نمود و بنا به نظر کروگر نیشابور یکی از مراکز مهم شیشه‌گری شمالشرق ایران بوده است (کروگر: ۱۴۰۱: ۶۴).

۶. نتیجه‌گیری

نیشابور از مهم‌ترین شهرهای شمال شرقی ایران از واپسین ایام پیش از اسلام و در دوره اسلامی در فاصله سده‌های سوم تا هفتم هجری بود. این شهر همراه با رشد سیاسی که با مرکزیت طاهریان در آغاز قرن سوم ه.ق. شروع شد در حوزه‌های اجتماعی- اقتصادی و علمی- فرهنگی به اوج اعتدالی خود رسید. در بررسی تاریخ نیشابور از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول در قرن هفتم هجری شاهد فراز و نشیب‌های فراوانی در طول حیات این شهر هستیم. نکته برجسته تاریخ نیشابور، توسعه متوازن در حیطه‌های سیاسی- اقتصادی، اجتماعی و علمی- فرهنگی در فاصله قرن سوم تا هفتم هجری قمری است. در این دوره نیشابور بخشی از مهمترین تحولات در حیطه‌های پیش گفته را تجربه نمود و در آن روزگار ایران، این شهر برخی از اولین نمونه‌های رشد و توسعه یک کلان شهر اسلامی را در خود به منصف ظهور گذاشت. البته مرکزیت سیاسی- اداری دولت‌های طاهری، سلجوقی و نیز مرکزیت ایالت خراسان بزرگ- تا حمله مغول- تأثیری به سزا در توسعه بخش‌ها و حیطه‌های دیگر این شهر داشت. اقتصاد شکوفا، اتصال به راه‌های سراسری، کشاورزی پر رونق و محصولات زراعی با کیفیت که برخی از آن‌ها ارزش جهانی داشت در تقویت زمینه‌های رشد و توسعه شهر خصوصاً رونق علمی- فرهنگی و هنری شهر بسیار تأثیرگذار بود. پیدایش اولین مراکز علمی به عنوان «مدرسه» که مشتاقان علم را از سرتاسر دنیای اسلام و حتی فراتر از آن به این شهر می‌کشاند. پیدایش و رشد نحله‌های علمی و فرهنگی و ظهور علما و اندیشمندان در حوزه‌های فقهی خصوصاً حنفی، شافعی در توسعه شهر نقش مهمی ایفا نمود اما در کنار این پیشرفت، به مانند همه جوامع، اختلافات گروه‌های اجتماعی که عمیقاً ریشه‌های سیاسی- مذهبی داشت در ضعف و زوال این شهر در دراز مدت تأثیر سویی گذاشت. در نهایت باید گفت: نیشابور از حیث

تحولات سیاسی، نقش اداری، پیشرفت های اقتصادی، توسعه علمی و فرهنگی و در یک کلام توسعه متوازن، در ایران قرون سوم تا هفتم هجری قمری مهم ترین یا به عبارتی یکی از مهم ترین کلان شهرهای اسلامی بوده است.

تعارض منافع

نویسندگان متعهد می رود مقاله تعارض منافع ندارد. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است

منابع و مآخذ

۱. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۹۶۶). تاریخ الكامل، طبع دارصادر و داریروت.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۶۸). تاریخ کامل، عزالدین علی، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، مترجم بوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، نشر علمی، ۱۳۶۸.
۳. ابن بطوطه (۱۳۷۰). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه دکتر علی موحد، ۲ ج، تهران، نشر آگاه.
۴. ابن حوقل (۱۳۵۴). صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۵. ابن خردادبه (۱۳۷۰). مسالک و ممالک، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، تهران، نشر نو.
۶. ابن فندق، ابوالحسن علی بن ابوالقاسم علی بن زید بیهقی (۱۳۶۱). تصحیح احمد بهمنیار، تهران، کتابفروشی فروغی.
۷. ابن کثیر، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر دمشقی (۱۳۸۵ق)، البدایة و النهایة، قاهره، مطبعة الاستقامة.
۸. ابن منور (۱۳۴۸). اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید، تصحیح دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه.
۹. اصطخری (۱۳۷۲). مسالک و ممالک، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، تهران، انتشارات ادبی و تاریخی.
۱۰. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۲). تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر.
۱۱. آلن، جرج (۱۳۹۲). نیشابور، فلزکاری اوایل دوره اسلامی، ترجمه هادی بکائیان، مشهد، نشر مرنديز.
۱۲. بولیت، ریچارد (۱۳۹۶). اعیان نیشابور، ترجمه هادی بکائیان، مشهد، نشر مرنديز.
۱۳. بیهقی، ابوالفضل محمد حسین (۱۳۵۶). تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
۱۴. _____، تاریخ بیهقی (۱۳۷۷). به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، مهتاب.
۱۵. ترجمه رساله قشریه (۱۳۴۵). به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۶. ثعالبی، ابی منصور عبدالله (۱۳۶۸). لطایف المعارف، ترجمه دکتر علی اکبر شهابی خراسانی، مشهد، انتشارات آستان قدس.
۱۷. جنیدی، فریدون (۱۳۶۶). نیشابور، مجموعه مقالات شهرهای ایران، گردآوری محمد یوسف کیانی

۱۸. عظاملک علاءالدین بن بهاءالدین محمدبن شمس‌الدین (۱۳۷۰). تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی، تهران، نشر ارغوان.
۱۹. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۳۷۵). تاریخ نیشابور، ترجمه خلیفه نیشابوری، تصحیح دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه.
۲۰. حدود العالم من المشرق الى المغرب (۱۳۶۲). ناشناس، به کوشش دکتر محمد تقی ستوده، تهران، طهوری.
۲۱. دانشنامه نیشابور بزرگ (۱۴۰۱). زیر نظر امید مجد، تهران، یونسکو.
۲۲. دریایی، تورج (۱۳۸۸). شهرستان‌های ایران‌شهر، ترجمه شهران جلیلیان، تهران، توس.
۲۳. سبکی، تقی‌الدین (۹۶۴). طبقات الشافعیة الکبری، تحقیق عبدالفتاح محد الحلو و محمود محمد الطنّاجی، بی‌جا، طبعه الحلبی.
۲۴. فارسی، عبدالغافر (۱۹۸۹). منتخب السیاق لتاریخ نیشابور، تصحیح و نشر صریفینی و عبدالعزیز، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۵. قزوینی، زکریابن محمد (۱۳۶۶). آثارالبلاد و اخبار العباد، ترجمه عبدالرحمن شرفکندری، تهران، اندیشه جوان.
۲۶. قسّس اوغلی، ابراهیم (۱۳۶۷). ترجمه داوود اصفهانیان، تهران، نشرگسترده.
۲۷. کروگر، یس (۱۴۰۱). نیشابور، شیشه اوایل دوره اسلامی، ترجمه هادی بکائیان، مشهد، نشر مرندیز.
۲۸. کسائی، نورالله (۱۳۵۸). مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. کلاویخو، گونزالز (۱۳۶۶). سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۰. گردیزی عبدالحی بن ضحاک (۱۳۶۳). تصحیح عبداحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.
۳۱. لسترنج، گای (۱۳۶۴). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۲. مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳). ایران‌شهر در جغرافیای تاریخی موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، اطلاعات.
۳۳. متر، آدام (۱۳۶۴). تاریخ تمدن اسلام در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، ۲ج، تهران، امیرکبیر.
۳۴. مجمل التواریخ القصص (۱۳۱۸). ناشناس، تهران، انتشارات کلاله خاور.
۳۵. مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱). ۲ج، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.
۳۶. ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۶۲). سفرنامه، به کوشش نادر وزین پور، تهران، سپهر.
۳۷. نولدکه، تئودور (۱۳۵۸). تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران، انجمن آثار ملی.